



پرواز

در

سینمای جنگ

■ ابداء، منظوم این نیست که قهرمان پروری بکنیم ما قهرمان داریم، با الگوهای خودمان - واژه قهرمان در هر کشوری یک جور معنا میدهد. من قهرمانی را ایثار کردن می‌دانم - هر که هر زمان هر چه را ایثار کند قهرمان است. قهرمان این نیست که آدم بیاید در فیلم پشتک وارو بزند. نه ما اگر این واژه‌هایی را که از مکتب‌مان است بشناسیم یعنی قهرمان را شناخته‌ایم. ما اگر به صدر اسلام برگردیم و نگاه کنیم به حضرت عباس و علی اکبر و حرو... این الگوهای صدر اسلام ما که الان الگوهای جوانان ما، بسیجیان ما، سربازان ما هستند. ایثارشان در جنگ‌ها بود که الگو شد. من منظوم همین ایثارها است که نشان داده شود. ما الگوی قهرمانیمان در این کشور با جاهای دیگر فرق می‌کند. ما مثلاً الگوی قهرمانیمان آن بسیجی نوجوانی است که با نارنجک زیر تانک می‌خوابد. ولی این الگو در آمریکا نیست. الگوها در آمریکا فرق می‌کند. ولی یک چیز هست. آمریکا با اینکه در جنگ ویتنام شکست خورده، مفتضح شده، آبروی سیاسی‌اش رفته، مورد سؤال واقع شده، ولی هنوز در مورد ویتنام فیلم می‌سازد و خودشان را پیروز هم نشان میدهند. بعد تبلیغاتی فیلم هست که مورد نظر ماست. چون در فیلم باید یک روشی به قهرمانی و ایثار بچه‌های ما داده بشود. ببینید طلا در حد شمس خب طلاست ولی وقتی می‌گیرند آن را شکل میدهند. آن شکل است که زیبا جلوه می‌کند. در سینما به این می‌گویند جذابیت تصویری - یعنی کارگردانهای ما می‌آیند همین اتفاقاتی را که برای قهرمانان جنگ در جبهه‌ها افتاده، به آنها جذابیت تصویری می‌دهند یعنی می‌آیند با دوربین، با ترفندهای خاص کاری می‌کنند که شما در صحنه حضور پیدا می‌کنید، کارگردانی از نظر من موفق است که وقتی شما فیلمش را می‌بینید، حتی از دید یک متخصص

آمریکا چه کار می‌خواست بکند؟ چه تبلیغی بهتر از این برای جذب نیروی جوان - خب ما چرا نکنیم - ما چرا همان طور که آمریکا با سلاح‌های عجیب و غریب قهرمان پروری می‌کند، با الگوهای مکتب خودمان قهرمان نسازیم؟ ایثار یک الگوی قهرمانی است. ایثار یک خلبان که می‌رود و عزیزترین چیزش را، یعنی جانش را، کف دستش می‌گذارد و برای مردمی که شاید آن‌ها را نشناسد از دست می‌دهد، این الگوی قهرمانی است. عمل آن پیر زنی که از ده تخم مرغش نه تایی آن را به جبهه می‌فرستد، ایثار است. یا آن بسیجی که اصلاً برای این کار ساخته نشده، دانشجو است، پزشکی است یا افسار دیگر جامعه، ولی عاشقانه به جبهه می‌آیند. این‌ها الگوهای ایثار هستند. اگر ما بتوانیم الگوهای ایثار را دریابیم. بشناسیم و آنها را به تصویر بکشیم ما هم موفق خواهیم بود. دلاورهای ما با ایثار، به ابزار و کمیت‌ها کیفیت میدادند، جان میدادند. خوب اینها را باید نشان بدهیم. این وقایع باید ثبت شود و به جوان‌های این مملکت نشان داده شود به جوانانی که در آینده میخواهند تاریخ این مملکت را ورق بزنند. باید این الگوها حفظ شوند و فراموش نشوند چون اینها الگوهای هشت سال دفاع مقدس ماست.

□ اگر آمریکا می‌آید آن سلاح‌های ابداعی را می‌سازد و قهرمان فیلم آن چنان با آن سلاح‌ها قهرمان بازی درمی‌آورد برای آن است که تعریف آنها از جنگ با تعریف ما از جنگ متفاوت است، آنها جنگ را فقط کشتن و رسیدن به سلطه میدانند ولی تعریف ما از واژه جنگ چیز دیگری است ما اصل واژه را تغییر دادیم و به جای جنگ «دفاع» کردیم - حالا اگر ما هم بیاییم قهرمان پروری کلاب را مطرح کنیم با ابزار غیر واقعی، آیا رسالت‌مان را در حفظ تاریخ ۸ سال دفاع‌مان انجام داده‌ایم؟

سرهنگ شادان از جمله خلبانانی است که در طول هشت سال دفاع مقدس در چندین عملیات خطرناک نظامی شرکت داشته‌اند و اکنون در سینمای جنگ حضور فعال دارند، به همین بهانه با ایشان گفتگویی تحت عنوان «پرواز در سینمای جنگ» داشته‌ایم که با هم می‌خوانیم.

م-ج

۱- تعریف شما از سینمای جنگ چیست؟

■ - تعریف من از سینمای جنگ ثبت وقایع دفاع مقدس در طول هشت سال جنگ تحمیلی است. من معتقدم این وقایع باید ثبت شود، چه در قالب نوشته و خاطرات جنگ و چه به صورت فیلم. این‌ها باید انتقال پیدا کند به آیندگان ما و جوان‌های ما باید این الگوها را بشناسند. الگوهایی مثل شهید وطن‌پور، شهید شبرودی، شهید کشوری، شهید خرازی و ... ما باید کاری کنیم که این الگوها جایگزین الگوهای مثل رمبو، استالونه، آرنولد و ... بشود. باید قهرمان‌های خودمان در قلب جوان‌های ما جا بگیرد. مثلاً ارتش آمریکا سرمایه‌گذاری می‌کند، پنتاگون سرمایه‌گذاری می‌کند در سینما و سلاح‌های ابداعی می‌سازند برای فیلم‌هایشان که قهرمان فیلم یک تپه با آن سلاح‌ها قهرمان بازی درمی‌آورد و این فیلم‌ها را به کشورهایی مثل ما می‌فرستند تا تبلیغات بکنند. مثلاً فیلم «تپگان» که ساخته شد طبق آمار ارتش آمریکا ۱۵۰ هزار جوان آمریکایی به نیروی دریایی آمریکا پیوستند.

اگر بنشیند فیلمش را بنید به این فکر نکند که کجا پن کرده - کجا تراولینگ کرده - کجا کات زده و ... بلکه وقتی فیلم تمام شد فکر کنید که ماجرای واقعی اتفاق افتاده و شما آن را تماشا کرده‌اید. این کارگردان موفق است. ولی همانطور که گفتیم فیلم باید جاذبه‌های تصویر هم داشته باشد. چه اشکالی دارد که ما هم فیلمهایمان را به سمنی ببریم که جوان‌ها پسندند. چه اشکالی دارد که فیلمی بسازیم که یک قهرمان هم داشته باشد، برای زنده ماندن سینما - حتی قهرمانانی بزرگ شده و خارج از قد و قواره واقعی که فروش بکند. چرا فقط فیلم‌های آمریکایی فروش بکنند و مورد قبول جوان‌ها باشد. بالاخره یک سری از جوان‌ها دوست دارند ببینند که قهرمان مورد علاقه‌شان مثلاً حرکات رزمی هم بلد است، و این اشکالی ندارد که ما هم بیاییم فیلم‌هایی از جنگ بسازیم که جوان پسند باشد.

□ - چطور شده که شما وارد سینمای جنگ شدید؟
 ■ - خیلی اتفاقی بود. چند سال پیش قرار بود فیلمی ساخته شود بنام «گانی مانگه» که نیاز به وسایل پرنده داشت و من هم خیلی اتفاقی معرفی شدم و از آن به بعد وارد کار سینما شدم. ولی وقتی وارد شدم دیدم که سینمای ما خیلی نیاز به این حضور دارد. چون کسی این ابزار آلات را نمی‌شناخت. من اعتقاد این است که وقتی خلبانان ما قادر هستند در مأموریت‌هایشان آن مانورها را انجام بدهند باید جلوی دوربین هم بتوانند همان شجاعت‌های مقابل دشمن را داشته باشند و اگر ما بخواهیم در جلوی دوربین کمتر از آن را نشان بدهیم تصنعی می‌شود. یعنی به نظر من وسیله پرنده باید بیاید از جلوی لنز دوربین رد شود. ما سعی کردیم بعد از شناخت مقوله سینما، وسیله پرنده را هم مثل آدم‌ها دارای شخصیت بکنیم، و در جلوی دوربین حتی میزانشن بدهیم و از آلات فلزی خارج کنیم و حضور معنوی بدهیم. این نیاز به هماهنگی دارد بین وسیله پرنده، خلبان، کارگردان، فیلمبردار، مسئول اسپشال افکت و تمام عوامل ساخت فیلم، ما سعی کردیم این هماهنگی بوجود بیاید.

□ - شما گفتید خیلی اتفاقی وارد سینما شدید و خوب شما حرفه‌تان هم که چیز دیگری است، نظامی هستید، چه نیازی احساس کردید که پس از آن اتفاق در سینما باقی ماندید؟

■ - بله اول اتفاقی بود ولی اینکه چرا را نند بخاطر این بود که من احساس کردم که در سینمای ما این نیاز هست. که کسی باشد که رابطه‌های منطقی بین وسیله پرنده و سینما ایجاد بکند. یعنی شاید عدم اطلاع یک کارگردان از نحوه استفاده از قابلیت‌های یک وسیله پرنده همیشه احساس می‌شد که یک ضعفی وجود دارد. و باید از یک متخصص در این زمینه استفاده شود. چون من معتقدم اگر روزی لازم شد مثلاً یک عمل جراحی را فیلمبرداری بکنیم خوب است از یک پزشک جراح به عنوان مشاور کارگردان استفاده شود.

□ - شما چقدر با مقوله سینما آشنایی دارید؟
 ■ - اصولاً خلبان‌ها آدم‌های کنجکاوی هستند. من روزی که وارد سینما شدم دیدم اگر قرار است وسایل پرنده‌ای که در فیلم هست جلوی دوربین درست حرکت کند و تصویر خوبی از پرواز داشته باشیم همانطور که من به کارگردان اطلاعات فنی پرواز میدهم، کارگردان هم باید اطلاعات تخصصی حرفه‌ای به من بدهد. سعی کردم از دوربین حرکت دوربین، کارگردانی و سینما در کل سر در بیاورم و تقریباً موفق هم شدم و با حضور در برخی از کلاس‌ها و حضور در فیلم‌های زیاد این مقوله را خوب بشناسم از فیلمنامه نویسی گرفته تا گریم و ... همین کسب آگاهی و شناخت درست این مقوله باعث شد تا مثلاً در فیلم افعی در ابتدای فیلم که تیراژ فیلم بود حرکت یک ماری تداعی شد که از لابلای بوته‌های روی زمین شروع می‌کند به حرکت و بعد از روی زمین کنده می‌شود تا روی بوته‌های بزرگتر و بعد روی درخت‌ها و پرواز مثلاً ۵ سانتی از روی آب رودخانه وارد جنگل می‌شود و با یک حرکت جستجوگرانه شاخ و برگ‌های درخت‌ها را عقب می‌زند و می‌آید تا به مقر آدم‌های بد فیلم می‌رسد. این حرکتی است که اگر حساب

شده باشد و شناخت درستی پشت سر آن باشد از نظر تصویری زیبا جلوه می‌کند. یا مثلاً سریال سیمرخ وقتی پخش شود می‌بینید که از نظر پرواز پرنده‌های آهنی برخی از پلان‌های آن در دنیای بی نظیر است.

□ - موانع و مشکلات شما در این تخصص چیست؟
 ■ - مشکلات زیاد است. ولی کلیت آن، یکی عدم شناخت سینماگران ما از قابلیت‌های وسیله پرنده است دوم اینکه نداشتن جایگاه خاص این شغل در سینما - یعنی هنوز در سینمای ما هیچ حرکتی از سوی مسئولین سینمایی برای اینکه این کار جایگاه خودش را پیدا بکند انجام نشده در صورتیکه در دنیا مسئله (پرواز در سینما) جایگاه خاص دارد، مشکل بعدی بدست آوردن این ابزار آلات است، اخیراً یک انجمنی به عنوان انجمن دفاع مقدس تشکیل شده که این انجمن سعی می‌کند این ابزار آلات را در اختیار سینمای جنگ قرار بدهد ولی فوق‌العاده این ابزار آلات محدود است. و رفع این مشکل یک حرکت بنیادی را می‌طلبد. این انجمن باید آنقدر تقویت بشود که وقتی درخواست یک وسیله‌ای را می‌کنی برای دیگر مسئولین جا افتاده باشد که این وسیله مورد نیاز است و باید در اختیار گذاشته شود و بداند که این وسیله برای ثبت دفاع مقدس است.

□ - مثل اینکه تجربه‌ای هم در نوشتن فیلمنامه دارید؟

■ - بله، چند فیلمنامه نوشته‌ام که دو فیلمنامه‌ام تصویب هم شده و در مرحله تدارکات برای ساخت است.
 - انشاء... مقوله «پرواز در سینمای ایران» جایگاه خودش را بیابد و از شما هم تشکر می‌کنیم که در این گفتگو شرکت نمودید.

